

بررسی نظریه «نظام انقلابی» در تاریخ معاصر و آغاز انقلاب اسلامی از «نقطه صفر» در گفت‌وگو با دکتر موسی حقانی

نظریه نظام انقلابی

ریشه در هویت، تمدن و تاریخ ایرانی‌ها دارد

ر هبر معظم انقلاب در فرازی از بیانیه گام دوم آورده‌اند: «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظر به نظام انقلابی تا یاید دفاع می‌کند.» ایشان همچنین آغاز انقلاب اسلامی و نظام انقلابی بر آمده‌ان از آن را، از نقطه صفر می‌دانند و دستاوردهای انقلاب اسلامی با این شرط را منحصر به فرد می‌خوانند. در شمار‌های پیشین این صفحه با رویکردهای مختلفی به بررسی نظریه «نظام انقلابی» پرداختیم، اما در آنچه پیش رو دارید برای بررسی این نظریه و آغاز آن



پرونده:حقانی.jpg

جناب دکتر از نظر تاریخی آیا نظریه «نظام انقلابی» یک تناقض است یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا آنطور که دکتر شریعتی مطرح کرده است در تاریخ همه نهضت‌ها پس از پیروزی و نظام‌سازی به محافظه‌کاری افتادند؟

همانطور که گفتید نظریه نهضت و نظام را دکتر شریعتی در کتاب تشیع علوی و تشیع صفوی مطرح کردند. ایشان در آن سخنرانی معتقد است نهضت‌ها پس از پیروزی تبدیل به نظام و محافظه‌کاری می‌شوند و سازوکارهایی را برای تثبیت خود طراحی می‌کنند که برای حفظ آن سازوکارها به مصلحت‌اندیشی افتاده و دیگر آن جنبیه انقلابی خود را از دست می‌دهند و بلکه به ضدنهیض تبدیل می‌شوند. مثال‌هایی هم می‌آورند که به نظر در درستی آنها باید تأمل کرد. مثلاً ایشان صفویه را مثال می‌زنند که من فکر می‌کنم خواش صحیحی نیست. انقلاب اسلامی هم در ۴۰ سال گذشته نشان داده است. می‌دانید که قبل از نظام انقلابی، همه زمینه‌ها و عرصه‌ها از دیپلماسی گرفته تا اداره داخلی کشور اعم از ساختار سازی، نهادسازی، خدمت‌رسانی و عمرانی انقلابی بود.

رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم آورده‌اند که انقلاب اسلامی و نظریه نظام انقلابی از نقطه صفر شروع شد؛ این نقطه صفر به چه وضعیتی اشاره دارد؟

نقطه صفر را از چند زاویه می‌توان تبیین کرد. یکی بر اساس نظام جهانی آن زمان است. می‌دانید که قبل از نظام انقلابی، جهانی دو قطبی بود. بعد از انقلاب اما به تعبیر حضرت امام (ره) نظام جهانی سه‌قطبی شد. یک قطب شرق و یک قطب غرب و یک قطب هم انقلاب اسلامی که مظلومین عالم پشت آن هستند. بعد از فروپاشی شوروی قطب‌بندی اشاره شده، به‌هم خورد و جهان به دوقطبی نظام استکباری– نظام انقلابی تبدیل شد که امروز این دو قطبی کاملاً شفاف شده است و کشورهای مختلف را می‌بینید که به مقاومت انقلابی پیوسته‌اند. مقاومت انقلابی پیش در آمد نظام انقلابی، است. ایران هم قبل از اینکه به نظام انقلابی برسد و این نظام را تأسیس کند، ۱۵۰ سال در تقابل با استبداد و استکبار، مقاومت انقلابی داشت.

یعنی تقریباً از آغاز دوره ناصری؛ البته می‌شود کمی عقب‌تر؛ تقریباً از آغاز دوره ناصری؛ البته می‌شود مقاومت انقلابی را از ۲۰۰ سال قبل به‌ویژه از جنگ‌های روسیه علیه ایران که تماماً مظهر مقاومت بود هم حساب کرد. هر چند حاکمیت نتوانست از ظرفیت‌های مردم و روحانیت استفاده کند.

چه چیز باعث این روحیه در مردم ایران شده است؟

برمی‌گردد به آموزه‌های دینی و ریشه در تمدن و هویت ما دارد. ایرانی‌ها بر خلاف بعضی از کشورهای اطراف ما مثل اسرائیل و حتی امارات که جعلی هستند، یک ظرفیت تاریخی و تمدنی ۶۰۰۰ ساله دارند. ایرانی‌ها یک ملت بوده هستند. این زمینه تمدنی امروز در خدمت اسلام است. در کنار این ظرفیت تاریخی، روحیه و آموزه‌های تشیع به‌ویژه ظلم‌ستیزی و نگاه تمدنی اسلام، به مردم ما چنین ویژگی می‌دهد. در تاریخ داریم که در دوره قاجار دیپلمات‌های فرانسه و آلمان با مترجم می‌رفتند در مراسم عزاداری اباعبدالله و از مترجم می‌خواستند روضه‌ها و خطبه‌های مجلس را برایشان ترجمه کنند، وقتی داستان کر بلا و قیام حضرت برای عدالت را متوجه شدند، گفتند ما تازه فهمیدیم این ملت چرا مقاومت است و سر خم نمی‌کند.

پیش از اسلام هم این روحیه مقاومت وجود داشت؟

بله؛ ایرانی‌ها مرتب مورد هجوم بوده‌اند و این مقاومت را

و در مسیر پیشرفت‌مان سنگ‌اندازی می‌کردند. پس اینکه از صفر شروع کردیم اولاً به خاطر نگاه سلطه‌جویانه آنها و ثانیاً به خاطر تفاوت مبانی و رویکردی با شرق و غرب ذیل هیچ کدام از قطب‌بندی‌ها ن‌رفتیم. از جهت دیگر ما در طول تاریخ تجربه کامل و جامعی برای نظام‌سازی براساس فقه شیعه نداشتیم. مثلاً در دوره آل بویه شیعه به سوی اداره حکومت رفت اما نظام‌سازی اتفاق نیفتاد.

درباره «نقطه صفر» می‌فرمودید...
بله انقلاب وقتی آن قطب‌بندی را به‌هم و دست رد به سینه شرق و غرب زد لاجرم نپذیرفت که از الگوهای آنها در نظام‌سازی استفاده کند و این وجهی از آن «نقطه صفر» است که رهبری فرمودند. نظم جهانی در آن زمان اینگونه بود که کشورهای مختلف عموماً خودشان را ذیل یکی از قطب‌بندی‌ها قرار می‌دادند و در مرتزب‌ناسیون پیشرفت‌هایی به دست می‌آوردند. مثلاً در بلوک‌بندی‌های آن روز، کره شمالی سهم بلوک شرق و کره جنوبی سهم بلوک غرب شد.

در معرض تهدید خارجی بودند، در سلاح و ارتش توسعه ایجاد و کره شمالی را تبدیل به یک قطب نظامی کردند. در کره جنوبی، امریکایی‌ها گفتند ما مدلی را پیاده می‌کنیم که کره شمالی حسرت آن را بخورد و تحت کنترل خودشان پیشرفت‌های صنعتی را در کره جنوبی رقم زنند، اما ما به واسطه دست ردی که بر سینه استکبار و سلطه زدیم، هیچ کدام از این ظرفیت‌ها را نداشتیم که هیچ، بلکه ما دشمنی

مواردی که تاکنون بیان شد بیشتر نظری بود، در عرصه عمل و ظرفیت‌های کشور چطور؟ آنجا هم «نقطه صفر» بودیم؟

در عرصه‌های مختلف آنچه به دستمان رسید اگر بگوییم زیر صفر، در نقطه صفر بود با بسیار نزدیک به صفر. پهلوی‌ها از محل درآمد نفت می‌توانستند تمام زیرساخت‌های ایران را بسازند؛ اما کشوری را تحویل نظام انقلابی دادند که اغلب زیرساخت‌های آن مشکل داشت. زیرساخت‌ها هم به‌ویط به زندگی روزمره جامعه است. برای مثال وضعیت روستاها را در آستانه انقلاب رصد کنید، ببینید چطور با اصلاحات ارزی، کمر روستاها و کشاورزی شکست و آن مهاجرت گسترده اتفاق افتاد. البته عرض من بدین معنا نیست که در آن مقطع هیچ کاری صورت نگرفته است. در هر کجای دنیا هر حکومتی که بر سر کار بیاید اقداماتی را خواهد داشت؛ مظلوم تناسب اقدامات با درآمدهاست. اگر هر حکومتی به جای پهلوی بود با آن درآمد نفتی می‌بایست زیرساخت‌های ایران را بسازد و تکمیل کند. کافی است نگاهی به ظرفیت‌های مختلف کشور در آن زمان بیندازید، ما شرایطی را داشتیم که می‌توانستیم در اقتصاد جهانی تعیین‌کننده شویم. اما شاه تمام هم و غمش این بود که خودش را ژاندارم منطقه و حامی منافع امریکا نشان دهد و این چیزی نبوده و نیست که شایسته مردم ایران باشد. پهلوی حتی اجازه نداشت به صورت وابسته توسعه پیدا کند. ارتش رضاخان در جنگ متفقین دادا. همه‌جای دنیا وقتی مورد حمله قرار می‌گیرند، مقاومت می‌کنند اما در ایران اصلاً مقاومتی نشد. جاده‌های ما واقعاً محدود بود. اسدالله علم در خاطر خاطش شرایط ایران را آورده که فرح و اشرف هم آنها را تأیید کرده‌اند. مثلاً نوشته برق مکرر می‌رفت؛ ابینبند جمعیت آن زمان کلاً ۲۳ میلیون بود و برق مداوم می‌رفت، الان ۸۰ میلیون هستیم و با همه مشکلاتی که داریم، برق هم صادر می‌کنیم! مشکل اصلی پهلوی این بود که استقلال نداشت و به‌شدت درگیر فساد بود. از طرفی مجبور بود برنامه‌های خارجی‌ها را انجام دهد و از طرفی فساد درونی‌اش نمی‌گذاشت ظرفیت‌های کشور را برای سازندگی بسیج کند. به همین خاطر است که می‌بینیم

بگویند ما استقلال نداریم دیگر! ما می‌خواهیم برویم شمال آن اعتراض می‌کند، می‌خواهیم برویم جنوب آن یکی اعتراض می‌کند. این نامه خیلی تلخ است و نشان می‌دهد چقدر ما تحت سلطه بودیم.

اشتباه دیگر قاجار‌ها این بود که به ظرفیت‌های داخلی توجه نکردند. وقتی دل به خارجی‌بندی، اسیر نفوذ می‌شوی و به آنجا می‌رسی که ناصرالدین شاه می‌گوید من می‌دانم باید راه بکشم، می‌دانم باید از ینگه دنیا بذر تنباکو... و پیاوریم و در این کنار کارون بکارم، می‌دانم باید روی کارون سد بکشم، می‌دانم باید کارخانه بزنم و انواع محصولات را تولید کنم

اما نمی‌گذارند!

یک اشتباه دیگر قاجار‌ها عدم توجه به پایگاه اجتماعی و مردمی است. آنها سعی نکردند با اصلاح رفتارهایشان پایگاه مردمی‌شان را بازسازی کنند. آنطور که باید از ظرفیت برجعت شیعه استفاده نکردند. این ظرفیت واقعاً می‌توانست به قاجار‌ها کمک کند. مثلاً اگر قاجار‌ها اهل ایستادگی جدی بودند، وقت حمله نظامی با فتوای جهاد علما می‌شد مقاومت کرد اما نفوذی‌ها نگذاشتند. کم‌الینکه وقتی در دوره دوم جنگ‌های روس، علما فتوای جهاد دادند ظرف مدت سه ماه تمام مناطقی را که در قرارداد گلستان از دست داده بودیم باز پس گرفتیم. علما در حوزه اقتصاد هم پای جهاد اقتصادی ایستاده بودند. برای نمونه شنیده‌اید که عالم شیعی برای تحریم کالاهای خارجی و تقویت کالاهای داخلی فتوا می‌دهد که ما بر مرده‌ای که کفنش از پارچه ایرانی نباشد نماز نمی‌خوانیم! قاجار‌ها با خرابکاری جریان نفوذ از این ظرفیت غفلت کردند. یک نمونه‌اش را بگوییم بریتان، مرحوم شریعتمدار استرآبادی از علمای دوره ناصری است. ایشان شاگردی دارد به نام ناظم‌الاسلام کرمانی که از شاگردان مرحوم شریعتمدار و مشروطه‌خواه سکولار است. کتابی دارد تحت عنوان «تاریخ بیداری ایرانی»؛ آنجا می‌نویسد مرحوم شریعتمدار اسلحه انفرادی (تپانچه) اختراع کرد و داد به ناصرالدین شاه و به او گفت این را بده تا تولید داخل شود. ناصرالدین شاه چند جا می‌گوید و آخر سر می‌دهد به یک کشور خارجی می‌سپارد! شریعتمدار ناراحت می‌شود، می‌گوید چرا این کار را کردی این را دادم که خودمان بسازیم. در یک مورد دیگر باز به ناصرالدین‌شاه می‌گوید اگر حمایت کنی ما می‌توانیم اربابه آتشین بسازیم. ناظم‌الاسلام این را توصیف می‌کند می‌گوید اربابه آتشین وسیله‌ای است که مسافتی را می‌رود و از چهار طرف درش باز می‌شود و شلیک می‌کند؛ ابینبند این برای دوره ناصری است، نه پهلوی! همین آدم ساعت

جمعیت ۲۵ میلیونی ایران، ۱۵ میلیون بی‌سواد است، برق مرتب می‌رود، با اینکه ماشین به اندازه امروز نبود ترافیک وحشتناکی داشتیم، آب آشامیدنی در همه مناطق تهران وجود نداشت تا چه رسد به شهرستان‌ها، روستاهای ما نه تلفن، نه راه و نه جاده داشتند. در حوزه علمی هم ما تقریباً صفر بودیم و فقط کارمان ترجمه بود. اینکه انگیزه و روحیه‌ای وجود داشته باشد که خودمان صاحب سبک و حرف شویم و به دانش بشری چیزی بیفزاییم اصلاً وجود نداشت. در حوزه صنعت هم تنها در بعضی از صنایع مثل بعضی وسایل خانگی و خودرو مونتاژ کار بودیم. در بحث موشک نهایتاً به پهلوی اجازه دادند موشک با برد ۸۰ کیلومتر بسازد که بعضی می‌گویند ساخته هم نشد. در صنایع نظامی هم واقعاً خیلی کنترل شده اجازه داشتیم چیزی بسازیم. در هسته‌ای قراردادها بسته بودیم اما شاه سرگردان بود و مرتب با بافتن قراردادها مواجه می‌شد. البته اگر اجازه هم می‌دادند نیز و گاه داشته باشیم می‌شدیم مثل کره جنوبی که اداره نیروگاه‌هایش با امریکایی‌هاست؛ شوخی نیست که ۲۵ هزار و در بعضی مواقع تا ۵۰ هزار هم مششمار امریکایی در ایران بود که اینجا اجازه پنج‌باز کردن به تکنیسین‌های ایرانی نمی‌دادند. وقتی قطعه‌ای خراب می‌شد، آن را می‌بردند در نجران عربستان تعمیر می‌کردند که مبدا ایرانی‌ها یاد بگیرند! اصلاً دوره قاجار و دوره پهلوی دوره انحطاط و تحقیر ملی است که عقب‌ماندگی‌های شرم‌آوری برای کشور ایجاد کرد. این رژیم‌ها به خاطر عدم استقلال و سلطه‌ای که وجود داشت اصلاً اجازه ورود به بعضی از زمینه‌ها را نداشتند و اصلی‌ترین دلیل این خفت این بود که به مردم تکیه نمی‌کردند. سرگور ازلی، سفیر وقت انگلیس در ایران به‌صراحت می‌گوید برای حفظ منافع ما ایران باید در وحوش و بربریت نگه داشته شود. وزیر خارجه روسیه هم تقریباً نزدیک به همین عبارت را دارد و در تاریخ می‌بینیم که حرفشان را عملی می‌کنند و در دوره ناصری می‌افتند به جان ایران و همه چیز را نابود می‌کنند بعد هم که دیدند احمد شاه قراداد ۱۹۱۹ را امضا نکرد یا زیر بار راه آهن شمال به جنوب رفت و بافتن این خط به در مردم ایران نمی‌خورد، رفتند رضاشاه را آوردند تا اگر تغاری‌های‌شان هموار شود. البته باز هم عرض می‌کنم که نمی‌خواهم بگویم در دوران قاجار و پهلوی هیچ کاری صورت نپذیرفت و الان همه چیز عالی است بلکه معتقدم خیلی از این کاستی‌ها جبران شده و خیلی‌ها هنوز باقی مانده است. اما مهم این است که بدانیم وقتی قرار است از نقطه صفر آغاز کنیم دیگر نمی‌شود با نظر به‌های معمولی جور رفت بلکه نیاز به رویکرد و نظام انقلابی داریم به‌ویژه ما که به پیشینه و نگاه تمدنی به دنبال تمدن نوین هستیم. چون به غیر از این نظریه نمی‌توان به قله‌ها رسید. اصلاً اجازه نمی‌دهند. الان اقتصاد جهانی دست امریکاست و می‌بینید که با چنین چگونیه مواجهه می‌کند که مبدا چنین از او بالا برند. اگر ما نظریه نظام انقلابی را ترک نکنیم باز کشیده می‌شویم به آن وضعیت و پیشرفتی هم اتفاق نمی‌افتد. مثل اتفاقی که در برجام افتاد و حالا در موشکی پیگیری می‌کنند و این هیچ انتهایی هم ندارد. من معتقدم اعاده استقلال ایران با انقلاب شد و تثبیتش با نظریه انقلابی.

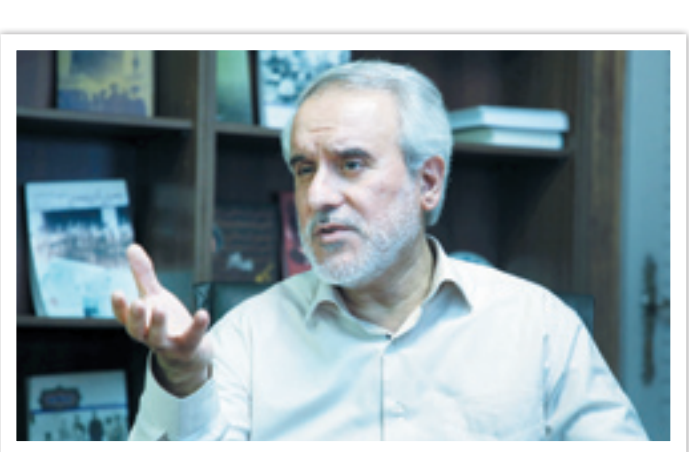


در تاریخ داریم که در دوره قاجار دیپلمات‌های فرانسه و آلمان با مترجم می‌رفتند در مراسم عزاداری اباعبدالله و از مترجم می‌خواستند روضه‌ها و خطبه‌های مجلس را برایشان ترجمه کنند، وقتی داستان کر بلا و قیام حضرت برای عدالت را متوجه شدند، گفتند ما تازه فهمیدیم این ملت چرا مقاوم است و سر خم نمی‌کند.

می‌سازد و کلی کارهای دیگر که ناظم‌الاسلام روایت می‌کند. حتی در سال ۱۳۰۰ قانون اساسی اسلامی می‌نویسد. ببینید تازه ۱۳۲۴ منورالفرقا می‌روند قانون اساسی بلژیک و فرانسه و انگلیس را ترجمه می‌کنند و به خود ملت ایرانی می‌دهد اما او در سال ۱۳۰۰ قانون اساسی می‌نویسد و می‌دهد به شاه. مرحوم آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب‌الذریعه می‌نویسد ایشان قانون را داد به شاه و شاه خواند و گفت خیلی خوب است اجرا کنید ولی فراموش‌ها نگذاشتند اجرا شود؛ ابینبند این جریان نفوذ است! حتی امیر کبیر که تلاش می‌کند یکسری کارها را در ایران بکند بلافاصله وطنه کرده و می‌کشندش و میرزا آقا خان نوری را می‌آورند که همه دستاوردهای امیر کبیر را بر باد می‌دهد. حتی شاه‌به دوره افشاری هم نگاه کنی می‌بینید با اینکه ماقوی بودیم و حتی نادرشاه هند را هم گرفت اما به همین آقای نادر اجازه ندادند در خر نیروی درباری داشته باشد لذا باز تأکید می‌کنم که نمی‌توان بدون ایستادگی بر نظریه نظام انقلابی پیشرفت کرد. حالا بعضی از این روشنفکران توصیه می‌کنند همین اشتباهات قاجار را برای پیشرفت تکرار کنیم. خوب تاریخ دارد به ما نشان می‌دهد که ترک نظر به

نظام انقلابی و عادی‌سازی چه نتیجه‌ای دارد! **در دوره پهلوی چطور؟ آیا آنطور که گفته می‌شود رضا و محمدرضا برای استقلال کشور کاری کردند؟**

دوره پهلوی که بدتر از قاجار است. این دوره، دوره سلطه است. به شاه گفتند توتون ویرجینیا خیلی خوب است، شما سعی کنید بذر این را بیاورید تا در ایران بکاریم. قرار شد شاه طی مذاکراتی مثلاً ۳۰۰ کیلو (دقیقش را یادم نیست) توتون بگیرد. شاه رفت در مذاکرات، از درخواست ۳۰۰ کیلو آمد پایین، آمد پایین تا شد یک کیلو! تازه همان یک کیلو را هم بهش ندادند! یا به رضا شاه اجازه ندادند ذوب‌آهن در ایران تأسیس کند. رضاشاه کارخانه ذوب‌آهن را از ایتالیا خرید، حالا کار نداریم که جانمایی آن را در کرج دیده بودند که اصلاً به منابع سنگ آهن نزدیک نبود، سوار کشتی کرد و با افتاد سمت ایران، در دریا انگلیس‌ها کشتی را متوقف کردند، ذوب‌آهن را به محمدرضا هم ندادند و او مجبور شد ذوب‌آهن را از روس‌ها بخرد که روس‌ها هم یک کارخانه‌ای که در اوکراین داشتند و نسل پنجم تکنولوژی‌شان بوده به او دادند! ابینبند این کارخانه دست دوم پنج نسل پیش دیگر چه خروجی داشت انگلیسی‌هایی که خودشان رضاخان را آوردند و رضاخان بیشترین خدمت را به آنها کرد! نمی‌گذاشتند پیشرفتی حاصل شود. انگلیس اصلاً ایرانی‌ها را آدم حساب نمی‌کردند، برای کار در ایران حق توتش می‌گرفتند. رضاخان را آورده بودند برای ادامه غارت نفت. این فکر کنید کل سهم ایران در درآمدهای نفتی ۱۲ درصد بود! اگر انقلاب شده بود، قرارداد داری تا سال ۷۲ و ۷۳ ادامه داشت! ظرفیت‌های نظامی ما را اینجا نابود کردند! رضاشاه که سر هیچ و پوچ ایلات و عشایر را لت و پار نکرد! نبود نظام انقلابی موجب شد در دوره پهلوی حتی به تمامیت ارضی ما تجاوز شود. بخوانید که اینها سر بحرن به ما چه کردند و چطور بحرن را از ایران جدا کردند. فیروزه را محمدرضا داد، حاکمیت ما در روند و ازارات کوچک را رضاخان داد و واقعاً نتوانستند در مقابل خواست انگلیس مقاومت کنند. نوری سعید که انگلیس‌ها در عراق بر او سلطه داشتند، از رضاخان خواست که حاکمیت اروند را به عراق بدهد. آن زمان کاطمی وزیر خارجه بود، اعتراض می‌کند و می‌گوید ما کلی روی اروند مطالعه کردیم، مگر کشک است! رضاخان یک دفعه بر گشت و گفت بدهید بهش و حاکمیت ما در اروند رفت، چون انگلیس پشتش بود! اینجا اینقدر در مقابل انگلیس و بعد از کودتای ۲۸ مرداد در برابر امریکا لایل بودند. در اسناد سفارت انگلیس داریم که بعد از ۱۷ شهریور شاه خیلی افسرده شده بود، به کار تر گفتند یک پیامی به شاه



بده که دارم می‌میرد، بالاخره کار تر راضی شد. سفیر انگلیس می‌گوید به اتفاق سفیر امریکا گفتیم که به شاه خبر بدهیم که قرار است کار تر به شما زنگ بزند؛ دیدیم شما چمپاته زده روی صندلی و فرو رفته در خودش. همین که به او گفتیم اعلیحضرت قرار است آقای کار تر باشما تماس بگیرد یک‌دفعه انگار فرش باز شده باشد از جا برید و گفت راست می‌گویید؟ تماس می‌گیرد؟ سفیر انگلیس ادامه می‌دهد که دو روز بعد از تماس کار تر دوباره رفتیم پیش شاه. دیدیم آن آدمی که آنطور در خودش مچاله شده بود و مثل معتادها چرت می‌زد، فقط با یک زنگ کار تر شوق و دست به کمر دستور می‌دهد! این قابل توجه آنهایی باشد که می‌گویند محمدرضا پهلوی چشم آبی‌ها را فلان کرد و آنها بودند که انقلاب را راه انداختند! این اوج استبداد و وابستگی است. اینجا الان هم جمهوری اسلامی را همینطور می‌خواهند.

به نظر شما با توجه به تجربه‌های تاریخی، چه می‌شود که نظام انقلابی افول می‌کند؟
همانطور که گفتیم اول نفوذ است. جریان نفوذ در عرصه‌های مختلف از سینما، تئاتر و مطبوعات گرفته تا اقتصاد و سیاست دنبال برنامه‌هایی است که مردم حاضر به دادن هزینه برای استقلال نباشند. یک مورد دیگر هم فسادهای اخلاقی است. این فساد ظرفیت مردمی نظام را می‌گیرد. بخش مهمی از پایداری نظام انقلابی معطوف به درون خودش است. خیلی باید در کار گزاران نظام انقلابی دقت شود، کسی که برای خوردن آمده نظام انقلابی نمی‌شود؛ ابینبند این نگاه توحیدی باید نگاه توحیدی داشته باشند و این نگاه توحیدی باید در همه چیز از نگاه به مردم تا نهادسازی تبلور پیدا کند. نظام انقلابی باید دائماً خودش را پالایش کند و این ظرفیت پالایش را دارد. ما اگر سبک زندگی اسلامی را احیا کنیم خودبه‌خود دارای پالایش خواهیم بود. البته ظرفیت‌های نظارتی و قانون‌گذاری هم باید رصد مداوم داشته باشند تا نظام انقلابی را بساک نگه دارند. اگر این باشند به سرانجام انقلاب الجزایر دچار می‌شویم. انقلابی که ۲ میلیون شهید داشت اما با دست کشیدن از نظریه نظام انقلابی به اینجا رسیده که دیگر نامی هم از این انقلاب وجود ندارد.